



● کلر ژوبرت  
● تصویرگر: عاطفه ملکی جو

## لبخند نی نی

مامان مورچه صدا کرد: «زود بیاید! در گوشه‌ی انباری برای ما گندم ریخته‌اند.» مورچه‌های کوچولو فریاد زدند: «ای وای! پس کی بازی کنیم؟» مامان مورچه خندید و گفت: «با هم که کار کنیم، زود زود تمام می‌شود.» مورچه‌های کوچولو دانه بردند و غر زدند. دانه بردند و اخم کردند. به نی نی مورچه گفتند: «تو خیلی کوچولویی، فقط یک ذره کار می‌کنی. برو کنار!» کم کم گوشه‌ی انبار خالی شد. مامان مورچه گفت: «آفرین به شما که این قدر تند و تند کار کردید!» بعد به نی نی مورچه گفت: «آفرین به تو!» مورچه‌های کوچولو گفتند: «چرا به نی نی مورچه آفرین می‌گویی؟» مامان مورچه گفت: «به خاطر لبخندش. یاد حرف امام حسن مجتبی (ع) افتادم که گفته است: بهترین خوبی خوش اخلاقی است.»\* بچه مورچه‌ها به هم نگاه کردند. اخم‌های همدیگر را که دیدند، همگی زدند زیر خنده.

\* ناصر پاک پرور. گل‌واژه‌های پاکان. انتشارات مدرسه. ۱۳۹۴.